



سید احمد

فرید

زندگینامه و شرح احوال و آرای انتقادی

محمد آسیابانی



شور

سیداحمد فردید

زندگی‌نامه و شرح احوال و آرای انتقادی

محمد آسیابانی

اندیشه فکر و ذکر ایرانی

زیر نظر محمد میلانی



نشر ویرا

سرشناسه: آسیابانی، محمد
 عنوان و نام پدیدآور: سید احمد فردید: زندگی‌نامه و شرح احوال و آرای انتقادی
 شناسه افزوده: دبیر مجموعه محمد میلانی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر ورا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
 شابک: ۷-۶-۹۸۲۵۹-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: فردید، سید احمد، ۱۲۹۱-۱۳۷۳.
 موضوع: روشنفکران — ایران — قرن ۱۴ — سرگذشت‌نامه
 موضوع: Intellectuals -- Iran -- 20th century -- Biography
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ س۹ HM۷۲۸/۵
 رده بندی دیویی: ۳۰۵/۵۵۲۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۱۹۵۸۰

مجموعه فکر و ذکر ایرانی
 زیر نظر: محمد میلانی
سید احمد فردید
 زندگی‌نامه و شرح احوال و آرای انتقادی
 نویسنده: محمد آسیابانی
 نمونه خوان: مریم صفری
 مدیر امور هنری: رضا حیرانی
 صفحه آرائی: امیرحسین ذوالقدر
 ناشر: نشر ورا
 امور چاپ: قشقایی
 نوبت چاپ: اول ناشر ۱۳۹۷
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 شابک: ۷-۶-۹۸۲۵۹-۶۰۰-۹۷۸

دفتر انتشارات:
 تلفن: ۰۹۱۲۸۹۵۹۱۶۳ / ۶۶۹۰۱۳۴۳
 تلگرام:
 varabookpub@gmail.com
 حق چاپ محفوظ است



به محمدرضا اسدزاده

فهرست

دییاجه.....	۹
مقدمه نویسنده.....	۱۱
گزارشی از سوانح احوال و افکار سیداحمد فردید.....	۱۵
سیر تفکر در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر.....	۲۰
فردید در هنگامه انقلاب اسلامی ایران.....	۲۲
جنگال‌های پویری و هایدگری در ایران.....	۲۳
فردید و دین اسلام.....	۲۶
ترس از نوشتن و شهرت «فیلسوف شفاهی».....	۲۷
سفر به دنیای دیگر.....	۳۱
رفقای گرمابه و گلستان.....	۳۵
شروع نشر افکار فردید.....	۳۵
صوفیان فرنگی.....	۳۷
کتاب: سوغات فرنگ.....	۴۲
فردید و صوفیان داخلی.....	۴۳
فردیدیان.....	۴۹
شرح منظومه فکری فردید.....	۵۹
نخستین قدم در راه شناخت فلسفه فردید چیست؟.....	۶۱
غرب‌زدگی پس از فردید و دوران فردید متاخر.....	۷۱
فردید به مثابه مبادی تفکر پسامدرن در ایران.....	۷۶

بخش پایانی ۷۹

سالشمار زندگی سیداحمد فردید ۸۱

منابع و مآخذ ۸۳

نمایه اسامی ۹۳

دیباچه

تاریخ بشر را، ما می‌سازیم. کوچک و بزرگ، فرقی نمی‌کند. همه ما به نوعی در شکل‌گیری آن سهیم و دخیل هستیم. اما سهم هر کدام از ما در سرشت این تاریخ متفاوت است. یکی با سلاحش تاریخ را رقم می‌زند، یکی با ایمانش و دیگری با آن چیزی که از خود در افکار، ایده‌ها و معرفت بشری تا به امروز از خود به جای گذاشته است. اگر نپذیریم که این افراد آینده را می‌دیدند و یا تصویری از آن در ذهن داشتند، بی‌شک نمی‌توانیم این قول را نپذیریم که این افراد در زمانه خود متفاوت با دیگران می‌اندیشیدند. فکر و ذکر آنها سرچشمه‌های معرفت را در برابر دیدگان دیگران باز می‌کند و می‌تواند انسان دیگری از آنها بسازد. این افراد آیت هستند. نشانه‌هایی که شناخت، توسل به داشته‌ها و معرفتشان بی‌شک می‌تواند بنایی استوار از دانایی را در درون انسان‌ها استوار کند. آنها پلی هستند میان ما و جهان‌های علم و معرفت. معرفتی که نه دیگر از آن من و تو، بلکه متعلق به جهانی است که انسان‌هایش نیاز بیشتری به دانستن دارند. به شرط آنکه ارزش این میراث را بدانیم و آن راستی از درون خود بدانیم که باید به دیگرانی در آینده انتقال دهیم. اساس کار یک متفکر همین است. بر ما، اگر دغدغه تفکر و معرفت داشته باشیم شناخت بزرگان و تاریخ سازان بالاخص آنانی که از رگ و خون ما و این فرهنگ و تمدن بوده‌اند عین واجب است. واجبی که عین میراث فرهنگی و معرفتی ما بوده و خواهد شد. حاصل این فرآیند نوعی شناخت از درون با صیانت از فضای بیروین



فرهنگ ما است. شناختی که بر پایه اصالت استوار است. اگر شناخت ما از بزرگان بر این قاعده استوار باشد یا به تعبیری بهتر ذات تحلیل و نقادی داشته باشد از قالب زندگینامه نویسی فراتر می‌رود و به یک مجموعه شناخت شناسی تبدیل می‌شود. مجموعه‌ای از همه آن چیزی که باید باشد به انضمام درک و نوع نگاه ما به دیگری به طور محض و بدون پیشفرض.

«مجموعه فکر و ذکر ایرانی» با توجه به بضاعتی که دارد تلاش می‌کند تا در این مسیر تداوم یابد. بزرگانی که در دوره معاصر در مسیر تفکر و اندیشه ایران اسلامی حرکت کردند را به نحوی دیگر بشناساند. آنهایی که در شکل‌گیری فضاهاى جدید فکری در ایران تأثیر مستقیم داشته‌اند. جهان‌های فکری ایرانی و دنیا را به نیکی تحلیل کردند و هرآنچه که امروز در درون تفکر ایرانی از تعامل فکری و فرهنگی وجود دارد مرهون تلاش این بزرگان است. بزرگانی که شناخت‌شان واجب بر هر ایرانی صاحب فکر و دغدغه‌مندی است.

محملمیلاتی

سرپرست و سروراستار مجموعه کتاب‌های «فکر و ذکر ایرانی»



مقدمه نویسنده

کسی کو عقل دور اندیش دارد
بسی سرگشتگی در پیش دارد

بدون شک، سیداحمد فردید، یکی از مهم‌ترین رجال فلسفی ایران در قرن اخیر است. شاید پری‌راه هم نباشد که لقب جنجالی‌ترین فیلسوف معاصر را نیز به این چهره بدهیم؛ چرا که نحوه سیر و سلوک وی در تفکر معاصر ایران بسیار متفاوت با دیگران بود.

به نظرم این کلام سیدموسی دیباج، استاد فلسفه دانشگاه تهران و یکی از شاگردان فردید، بهترین تعریف در مورد فردید و جایگاه علمی اوست. در یکی از گفت‌وگوهایی که با دکتر دیباج داشتم، بیان کرد که فردید انسان بزرگی بود، اما در حد همان کتاب «آرا و عقاید سیداحمد فردید؛ مفردات فردیدی». به عبارتی نه باید مانند علاقه‌مندان وی رادر حد قدیس بالا برد و نه مانند دشمنانش به هیچ‌ش شمرد.

تاکنون چندین تحقیق پیرامون آثار و احوال فردید منتشر شده است که بنا به نظر راقم این سطور پژوهش محمدمنصور هاشمی با عنوان «هویت اندیشان و میراث فکری احمد فردید» بهترین و کامل‌ترین این منابع است. باقی پژوهش‌ها خالی از اشکال و ایراد نیست. با این اوصاف معتقدم تمام این منابع صرفاً برای اهالی علوم انسانی و از دیگر رشته‌ها نیز طیف آکادمیکی که به فلسفه و علوم انسانی علاقه‌مند هستند و مطالعات جدی در این حوزه دارند، نوشته شده است. این در صورتی است که فارغ از





بحث‌های پیرامون شخصیت و سلوک رفتاری، کار فکری فردید و امثال او را باید به تمام جامعه ایران (عامه مردم از هر طیفی) شناساند. بر این اساس در تمام مراحل نگارش کتاب، فهم عامه مخاطبان و جذب آنها در اولویت قرار داشت. سعی بر این بود که این کتاب عامه مخاطبان را به سمت خود بکشانند و نه صرفاً اهالی فلسفه و علوم انسانی. همچنین نباید فراموش کرد که این کتاب، هرگز یک رساله فلسفی نیست و کار من صرفاً نقل تاریخ و آشنا کردن نسل جدید با یک متفکر اثرگذار بوده است.

اینجانب نه تنها پای درس‌های سید احمد فردید حاضر نبودم، بلکه هیچگاه نیز موفق به دیدار او نشدم، چرا که هنگام وفات ایشان در کلاس سوم ابتدایی درس می‌خواندم. بر این اساس تمام ماجراها و جریان‌هایی که در این کتاب مطرح می‌شود، با اعتماد به برخی منابع دست‌اول نوشته‌ام. یافتن این منابع نیز خود در دسر بزرگی بود و مشکلاتی را فراهم کرد. به ناچار برخی از مسائل مهم را نیز چون سندشان در منابع دست‌اول پیدا نکردم، در ویرایش نهایی از متن کتاب حذف شدند. از جمله این مسائل شرکت فردید در جلسات تدوین دیالکتیک انقلاب سفید محمد رضا پهلوی بود.

شرح تفکرات فردید نیز از زاویه ذهن من و تحلیل خود من است. بنابراین این کتاب شناختنامه فردید از دیدگاه یک نسل سومی است که مخاطبان خود را نیز از میان این طیف جست‌وجو می‌کند.

به زعم حقیر زندگینامه پیشروان در فلسفه و مبتکران انواع تفکر باید فلسفی نوشته شود و این نگارش از عهده شاگردان و یا هم‌عصران این اشخاص به هیچ عنوان بر نمی‌آید. برای این حرف و این ادعا دلایل بسیاری دارم که ان‌شالله در جایی دیگر آن‌ها را ارائه خواهم کرد، اما با این اوصاف باید اعلام کنم که کار من در این کتاب نگارش یک رساله فلسفی نبوده است.

نوشتن درباره اندیشمندی که نامش چند دهه نقل مهم‌ترین مجالس و جمع‌های فلسفی بود، جسارت بسیاری می‌طلبد، که من این جسارت را در خود پیدا کردم و جواد عاطفه عزیز نیز میدان این جسارت را برای من فراهم کرد. از او بسیار ممنونم. همچنین اگر نبود الطاف بی‌شائبه عزیزان ارجمند، پرویز ضیاشهابی، سید موسی دیباج، رامین جهانبگلو و محمد میلانی، این کار مطمئناً به سرانجام نمی‌رسید. همچنین جناب علی اکبر شاطریان نیز در یافتن بسیاری از منابع، یاریگر بود، از ایشان نیز بسیار

سپاسگذارم. عکاس خوش قریحه، امیر غلامی، عکس سنگ مزار زنده یاد فردید را برای
درج در کتاب برداشت و جواد رحیمی نیز از اتاق یادبود فردید در بنیاد عکس‌هایی را
برایم تهیه کرد که در تصاویر کتاب درج شده است.



گزارشی از سوانح احوال و افکار سید احمد فردید



در سال ۱۲۸۹ در خانواده‌ای زمیندار و نیمه متمول در یزد پسری به دنیا آمد که بعدها تاثیر بسیاری بر چند دهه از جریان‌های فلسفی در ایران معاصر گذاشت.^۱ سید علی پدر این خانواده، نام او را احمد گذاشت. نام خانوادگی او در آغاز مهینی یزدی بود که خود آن را در تاریخ ۱۳۱۸/۳/۷ به «فردید» تغییر داد.

تاکنون در هیچ منبعی از زبان خود فردید یا نزدیکانش به دلیل این تغییر اشاره‌ای نشده است، اما شاید بتوان با بررسی ریشه‌شناختی این نام، دلیلی برای این تغییر نام خانوادگی پیدا کرد^۲: فردید در لغت از دو واژه «فر» و «دید» تشکیل شده است. در اسطوره‌های ایرانی مفهوم «فر» یا «فره» موهبت یا فروغی ایزدی است که به اشخاصی داده می‌شود و آن‌ها را به درجات والایی از کمال می‌رساند. بر این اساس شاید فردید بر اساس روشی که برای زندگی فلسفی خود از پیش مدنظر داشت، نام خانوادگی خود را از مهینی یزدی به «فردید» تغییر داد.^۳

فردید نوجوان در سن ۱۲ سالگی به توصیه و اصرار پدرش، شروع به یادگیری زبان فرانسه و علم ریاضیات کرد. ۱۷ ساله بود که می‌توانست به خوبی به زبان‌های فرانسه و

۱. گویا فردید در مصاحبه‌های مطبوعاتی و یا سخنرانی‌های خود اشاره‌های چندانی به زندگینامه یا نام پدر و مادرش نمی‌کرد. از نظر راقم این سطور، دقیق شدن در زندگی فیلسوفان (آن مواردی که به فلسفه آن‌ها مربوط نمی‌شود) کاری بیهوده است و شاید بسیاری از باورهای مثبت به فیلسوفان را کم کند. فراموش نکنیم که فیلسوف پیغمبر و در نتیجه معصوم نیست و مانند دیگر جایز الخطاها! زندگی‌اش سرشار از خطاهای ریز و درشت است.

۲. یکی از وجوه اصلی منظومه فکری فردید، بررسی ریشه‌شناختی واژگان یا اتیمولوژی بود، بنابراین شاید در هنگام تغییر نام خانوادگی مفهوم و معنای واژه فردید را مدنظر داشته است. درباره اتیمولوژی از منظر فردید در ادامه در فصل چهارم همین کتاب اشاره خواهد شد.

۳. در مصاحبه‌ای که علیرضا میبیدی در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۵۵، پس از آن که فردید بیان کرد نامش ابتدا مهینی یزدی بوده و به فردید تغییر یافته است، میبیدی می‌پرسد که آیا نوعی تخلص است که فردید جواب مثبت می‌دهد.

عربی، مکالمه کند، بخواند و بنویسد.

فریدید در سال ۱۳۰۵ یعنی در ۱۶ سالگی برای آموختن بیشتر، به تهران آمد. او ابتدا در مدرسه سلطانی^۱ و سپس در دارالفنون به تحصیل پرداخت و دیپلم خود را از دارالفنون گرفت. او همچنین مدت کوتاهی را در اصفهان به تحصیل مشغول بود. از میان استادان او در اصفهان می‌توان به آیت‌الله بهالدین نوری اشاره کرد.^۲

در همین سال‌ها فریدید به مجلس درس آخرین بازماندگان مکتب فلسفی تهران یعنی چهره‌هایی چون سید کاظم عصار^۳، شریعت سنگلجی^۴، آیت‌الله محمدرضا تنکابنی^۵ رفت. این استادان فریدید هر کدام از بزرگان فلسفه و علوم قدیم بودند، با این وجود شریعت سنگلجی خود یکی از تجددخواهان بود و مایل به علوم روز. منظومه فکری فریدید تا حدودی شبیه به آرا و افکار شریعت سنگلجی است.

فریدید در ادامه تحصیلات خود در سال ۱۳۱۳ وارد دانشسرای عالی شد و رشته فلسفه و علوم تربیتی خواند. پس از گذشت، یکسال، در خرداد سال ۱۳۱۴ مدرک لیسانس فریدید صادر می‌شود. در متن مدرک کارشناسی فریدید نوشته شده است: سید احمد فریدید، از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی دارای شهادت‌نامه‌های ذیل می‌باشد: دوره عالی زبان فرانسه، کلیات و تاریخ فلسفه، روانشناسی عمومی، فلسفه قدیم، علوم تربیتی، اصول تعلیم و تربیت، مبانی تعلیمات متوسطه، فلسفه تربیت، روانشناسی از لحاظ تربیت، علم اجتماع از لحاظ تربیت، لذا لیسانس دانشسرای عالی

۱۷

۱. عموی مرحوم احسان نراقی یعنی ابوالقاسم نراقی مدیر این مدرسه بوده است.

۲. میرزا بهالدین نوری معروف به فاضل نوری، درگذشته در سال ۱۳۴۳ قمری یکی از اندیشمندان جامع معقول و منقول بود. نوری خود در مکتب فلسفی اصفهان درس خواند و پس از فراغت از تحصیل نیز در همین شهر به تدریس و تحقیق پرداخت. کسانی او را از جمله اهالی سیر و سلوک و تصفیه باطن دانسته‌اند. نوری در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن الدین گورستان مشهور تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

۳. آیت‌الله سید محمد کاظم عصار درگذشته در سال ۱۳۵۳ در تهران، یکی از آخرین فیلسوفان، مکتب تهران بود. او در دانشکده الهیات دانشگاه تهران (دانشکده معقول و منقول سابق) به تدریس فلسفه اشتغال داشت. از دیگر شاگردان مشهور او می‌توان به سید حسین نصر، بدیع الزمان فروزانفر، سید جلال الدین آشتیانی، مهدی محقق، عبدالجواد فلاطوری و منوچهر صدوقی سها، اشاره کرد. کتاب مجموعه آثار او با کوشش و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی منتشر شده است.

۴. شریعت سنگلجی، درگذشته در سال ۱۳۲۲، یکی از روحانیون به نام تهران در زمانه خود بود. او با وجود تجددخواهی، در زمینه علوم و فلسفه‌های قدیم تبحری خاص داشت. مهم‌ترین کتاب او «کلید فهم قرآن» است. مباحثه او با شاعر شهیر هندی، رابیندرا نات تاگور، مشهور است.

۵. فقیه و مجتهد ایرانی درگذشته در سال ۱۳۴۵ شمسی. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرزا هاشم آملی، محمد تقی جعفری و عبدالکریم حقشناس اشاره کرد.

